

ای یار قدیم و دوست روحانی دیرین همچه گمان منما که آنی فراموش شدی و از خاطر محو گشتی در لوح محفوظ و کتاب مسطور و رق منشور مذکور و مبسوطی و مثبتوت یعنی در هر قلب مشتعل بنار محبت الله و جان عبدالبهاء در ساحت اقدس ملکوت غیب ابها همواره مشهود بوده و هستی دیگر چه خواهی نظر عنایت آن سلطان یفعل ما یشاء با تو بوده و خواهد بود دیگر چه خواهی ندای عالم پنهان بگوش هوش ما یا عبدی یا عبدی متواصل دیگر چه خواهیم پرتو عنایت از جمیع جهات منتشر است دیگر چه خواهیم سحاب رحمت در فیضانست و سیل موهبت در جریان دیگر چه خواهیم کوکب امر الله در افق تقدیس لامعست و فجر کلمة الله در مشرق توحید ساطع دیگر چه خواهیم پس بشکر و ثناء پرداز